

# گفتگو



دفتر عقل و آیت عشق

گفتگو با رضا بابایی درباره کتاب دینی





## دفتر عقل و آیت عشق

گفتگو با رضا بابایی درباره کتاب دینی

✦ تعریف کتاب دینی چیست؟ این پرسش، به تصوّر نویسنده و مخاطب و ناشر، از «کتاب دینی» باز می‌گردد. افت و خیزها و تجربه‌های چنددهه تولید نشر کتاب دینی، چه از درون حوزه و چه خارج از آن، مضمون اصلی گفتگوی سنجه با رضا بابایی است. بابایی، رئیس پیشین «انجمن قلم حوزه» و دارای کارنامه‌ای پر بار در زمینه تحقیق، نگارش و تدریس شیوه‌های نوشتن با موضوعات دینی است.

هر وسیله‌ای نمی‌توان به دین خدمت کرد. بنا بر این، فرم‌هایی که با روح یا نصی از نصوص دین ناسازگارند، از این تعریف بیرون می‌روند، مثل فرمی که در آن نویسنده، مرز خیال و حقیقت را چنان کم‌رنگ کند که خواننده نتواند میان حقیقت و تخیل فرق بگذارد و به این گمان که مثلاً تاریخ می‌خواند، در دام تخیلات نویسنده افتد. مثل کتاب «مغز متفکر شیعه» نوشته ذبیح الله منصوری که خیلی‌ها را به خطا انداخت. چندی پیش، یکی از واعظان مشهور تهران، بالای منبر می‌گفت: اگر می‌خواهید امام صادق علیه السلام را بشناسید، کتاب «مغز متفکر

### ۱. کتاب خوب دینی، با صرف نظر از محتوای تبلیغی آن، چه مؤلفه‌هایی دارد؟

بابایی: اول باید کتاب دینی را تعریف کنیم تا به مؤلفه‌های آن برسیم. من کتاب دینی را هر اثری می‌دانم که هدفی همسو و همسان با یکی از ادیان مرسوم دارد. در این تعریف، قالب و فرم اثر، جایگاهی مهم ندارد. یعنی شما در هر قالبی و با هر فرمی در خدمت یکی از اهداف دین باشید، کتاب دینی آفریده‌اید؛ البته با دو تبصره:

اولاً در فرم و قالب، همین مقدار کافی است که مخالف روح ادیان نباشد. چون در این جا هم هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند؛ یعنی با

شیعه» را بخوانید! تخیل، غیر از آمیزش نامشروع خیال و واقعیت است. کسی با تخیل مخالف نیست؛ ولی تخیل، زبان ویژه‌ای دارد که خواننده را گمراه نمی‌کند. تبصره دوم در باره همسویی و همسانی با

بگوییم هر کتابی که نویسنده یا نویسندگان آن، انگیزه‌های دینی دارند، آن کتاب را باید دینی شمرد، اما نه مساوی با دین. البته مؤلفه‌های حداکثری هم می‌توان برای کتاب دینی شمرد، همچون: غلبه متون و

پیام‌های دین است. دین، چیزی است که هر کسی از ظن خود یار آن می‌شود. بنا بر این نمی‌توانیم در تعریف آن، به توافق نهایی و جهانی برسیم. در باره کتاب دینی شاید بتوان گفت: هر اثری که هدف نخست یا یکی از اهداف آن، دین‌شناسی باشد، کتاب دینی است؛ هر چند تعریف نویسنده‌اش از دین با دیگران فرق کند. بنا بر

#### ■ هر اثری که

#### هدف نخست

#### یا یکی از اهداف

#### آن، دین‌شناسی

#### باشد، کتاب

#### دینی است؛

#### هر چند تعریف

#### نویسنده‌اش از

#### دین با دیگران

#### فرق کند ■

نصوص دینی در آن بر متون و منابع غیر دینی؛ بازگشت روشن و شفاف دعاوی کتاب به یکی از اصول یا فروع دین؛ برخورداری از ادبیات تربیتی و پرهیز از انشاءهای مزورانه و آمرانه.

#### ۲. کتاب‌هایی که در حدود

#### نیم قرن اخیر با دغدغه ترویج

#### دین برای عموم مردم نوشته

#### شده‌اند، به نظر شما از نظر متنی (زبان -

#### ادبیات) چه ویژگی‌هایی (ضعف و قوت‌ها)

#### داشته‌اند؟

بابایی: مهم‌ترین ضعف زبان و ادبیات کتاب‌های دینی در چند دهه گذشته، ناهمسانی آن با اهداف دینی است. زبان دین، زبان تربیتی است. بنا بر این حتی در کتاب علمی - دینی باید نشانه‌های زبان تربیتی هویدا باشد. به هر حال باید زبان کتابی که درباره اقتصاد اسلامی است، با زبان کتابی که درباره اقتصاد لیبرالی است، فرق

این اگر کسی در باره آسمان یا ریسمان از موضعی سخن بگوید که در گمان او موضع دینی است، کتاب دینی آفریده است؛ اگرچه دیگران می‌توانند آن را نقد کنند و نشان دهند که آنچه او به آن رسیده است یا خاستگاه تفکر او، به واقع دین نیست. پس مهم در تعریف کتاب دینی، انگیزه دینی است، نه مطابقت آن با حاق دین که در آن همیشه نزاع بوده است و خواهد بود.

اما در باره مؤلفه‌های حداقلی کتاب دینی، بیش از این نمی‌توان سخت‌گیری کرد که

کند و این فرق، بیشتر در مسئله رویکردهای زبانی است. کتاب دینی، هیچ‌گاه نباید از مرحله توصیه و تربیت فراتر برود. برای این که فرق زبان تربیتی با زبان علمی روشن شود، مثالی می‌زنم:

اگر کسی کتابی در حوزه سیاست نوشت و در آن خواست ثابت کند که دین با سیاست آمیخته است و سپس خواست نظریه مخالف را رد و نفی کند، نباید فراموش کند که او از موضع مقام دین سخن می‌گوید و این موضع و مقام، اقتضای نرمی و مهربانی بیشتری دارد. یعنی تا آن جا که ممکن است نباید زبان تربیتی دین فراموش شود؛ اما آنچه در بیشتر کتاب‌های این چنینی دیده می‌شود، ادبیات تهاجمی و از موضع بالای آنهاست. این روش در مجموع و در درازمدت به نفع دین نیست.

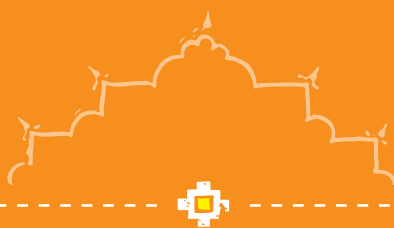
به قول حافظ:

ای که از بستر عقل، آیت عشق آموزی  
ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست!  
در حوزه ادبیات هم، نویسندگان دینی باید ماهیت ادبیات را - که گزارش هنرمندانه است، نه موضع‌گیری معلّمانه - در نظر بگیرند. کتاب‌های ادبی - دینی، گاهی گارد آموزگاران می‌گیرند که برای رده‌های سنی الف و ب، شاید بد نباشد؛ اما هر چه مخاطب بزرگ‌تر می‌شود، لحن نویسنده هم باید لحن

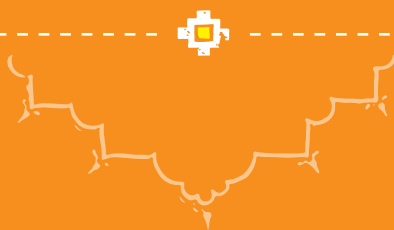
هم‌شاگرد و هم‌کلاس باشد؛ حتی اگر نویسنده داستان از زبان «دانای کل» سخن می‌گوید.

### ۳. برای رفع نارسایی‌ها و ضعف‌های قلم نویسندگانی که کتاب دینی تولید می‌کنند، چه پیشنهادهای دارید؟

بابایی: توصیه اول و آخر من، مطالعه آثار ممتاز است. البته نه برای پیروی؛ برای آشنایی. آفت دیگر کتاب‌های دینی، سفارش زدگی آنهاست که این سال‌ها درد بی‌درمانی شده است. کتاب‌های دینی در جامعه ما رشد طبیعی ندارند. این همه رانت و حمایت از هر زانری، موجب نابودی آن است. کتاب دینی فقط در میدان رقابت رشد می‌کند و اوج می‌گیرد. با این همه گهواره‌هایی که برای آن ساخته‌اند، به بلوغ نمی‌رسد. حمایت ویژه از ناحیه هر نهاد یا ساختاری غیر از مخاطب و جیب مخاطب، حمایت نیست؛ دشمنی پنهان است. بنا بر این به عقیده من، کتاب دینی را باید به بازار و مخاطب سپرد تا خودش روی پای خودش بایستد و راهش را پیدا کند؛ وگرنه همین‌طور محتاج کمک و دستگیری باقی می‌ماند و در نهایت هم از رقابای چالاک و خودبنیادش عقب می‌افتد.



# پرونده کتاب‌های کودک و نوجوان



- خانه‌های خدا در کوچه‌های مردم
- راویان الهی
- شعر فاطمی کودک و نوجوان
- تلفیقی از متانت فارسی و فصاحت قرآنی
- پاسخ کودکانه به پرسش از خدا
- نماز شکسته